

تاریخچه‌ی کتاب‌خانه‌ی کتابخانه در ایران

(۱۱)

رکن‌الدین همایونفرخ

۱۰۰ - کتابخانه تاج‌الاسلام مرو : خاندان سمعانی در فضیلت و تقوی و دانش و بینش در خراسان شهرت و معروفیت بسزائی داشته‌اند .

چندتن از افراد این خاندان از محققان و نویسندگان بنام ایرانند از جمله معین‌الدین ابوبکر محمد امام منصور بن عبدالجبار سمعانی .

امام تاج‌الاسلام معین‌الدین ابوبکر سمعانی تألیفات بسیار دارد که از جمله انساب و تاریخ مرو و تاریخ بغداد است . و این دانشمند را خواجه نظام‌الملک بردیگردانشمندان عصر مقدم میداشته است . تاج‌الاسلام سمعانی در مرو کتابخانه بزرگی فراهم آورده بود که مورد استفاده اهل فضل نیز قرار میگرفته است .

۱۰۱ - کتابخانه سمعانی مرو^۱ : شیخ‌المحقق والمذکر المدقق ابوالقاسم عبدالله بن مظفر بن سمعانی ازدودمان سمعانی ونوه معین‌الدین ابوبکر سمعانی است . او از عارفان بنام او اواخر قرن ششم و اوائل قرن هفتم است . این عارف دانشمند از جمله نویسندگان و شعرای چیره‌دست ایرانست . شهاب‌الدین سمعانی را کتابی است بنام روح‌الارواح که گذشته از ارزش عرفانی یکی از آثار بدیع نظم و نثر فارسی قرن هفتم است^۲ .

شهاب‌الدین سمعانی در خانقاه خود در مرو کتابخانه‌ای بزرگ برای استفاده طالب علمان بنیاد نهاد که یاقوت حموی نیز متذکر آنست .

۱۰۲ - کتابخانه ملک محمد سلجوقی : بطوریکه در تاریخ بدایع‌الزمان^۳ و تاریخ کرمان^۴ آمده است در جنب مسجد جامع گواشیر کرمان کتابخانه‌ای وجود داشته است که بنیاد آن را به سلطان ملک محمد سلجوقی از پادشاهان آل‌قاورد کرمان نسبت میدهند .

۱۰۳ - کتابخانه مدرسه قطیبه کرمان : ناصرالدین منشی کرمانی در کتاب عالیقدر خود سمط‌العلی للحضرة‌العلیاء که در تاریخ فراختائیان کرمان است در شرح ایجاد مدرسه قطیبه کرمان که از مستحدثات قتلغ ترگان بوده است مینویسد : دانشمندان خراسان و ماوراءالنهر را برای تدریس آن فراخواند از جمله برهان‌الدین باختری - سعید بن ابی‌المعالی - تاج‌الدین و برهان‌الدین بخاری که بشاهان بخارا نامبردار بودند^۵ . مدرسه قطیبه کتابخانه‌ای داشته است که در کرمان ممتاز و شهیر بوده است .

۱۰۴ - کتابخانه رستم‌بن علی در طبرستان : تاریخ طبرستان مینویسد که رستم‌بن علی کتابخانه‌ای عمومی و قابل توجه برای شیعیان بنیاد نهاد که مرجع شیعیان عراق و مازندران

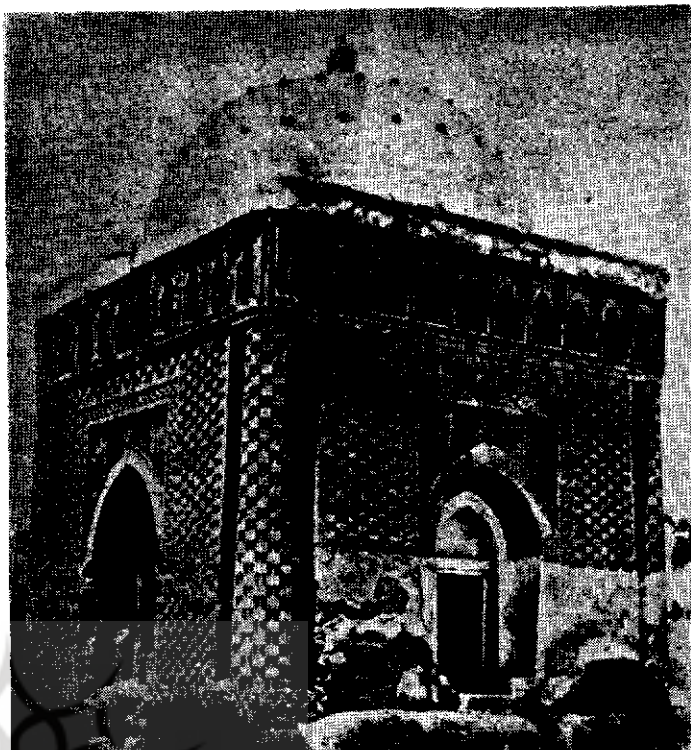
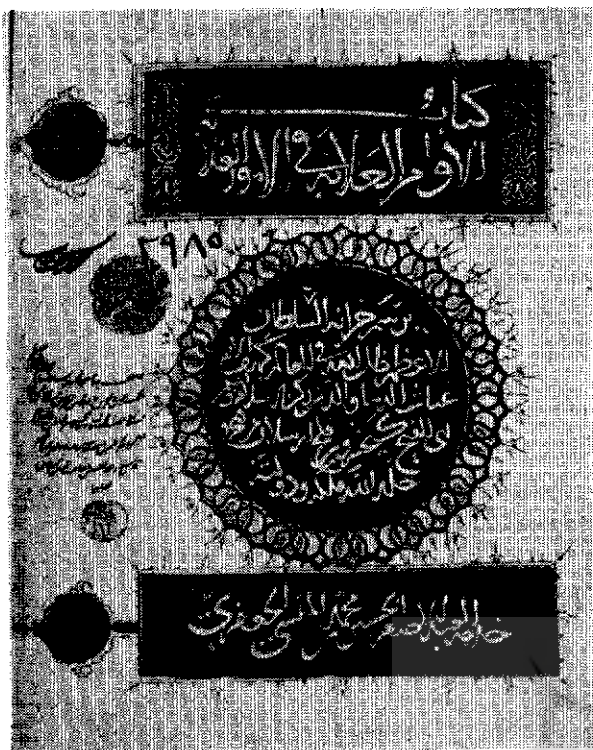
۱ - برای اطلاع بیشتر از دودمان سمعانی به مقاله نویسنده در مجله وحید مراجعه فرمایند.

۲ - نسخه منحصر بفرد این اثر متعلق بکتابخانه نویسنده است .

۳ - ص ۲۷ .

۴ - طبع لیدن ص ۴ - ۴۱ - ۴۲ - ۴۳ .

۵ - ص ۴۱ - ۴۲ .



راست: آرامگاه امیر اسمعیل سامانی - کتابخانه دودمان سامانیان از بزرگترین کتابخانه‌های ایران بود . چپ: پشت جلد نخستین صفحه کتاب ابن بی‌بی که برای کتابخانه سلطان غیاث‌الدین کیخسرو سلجوقی تحریر یافته است

و طبرستان بوده است .

۱۰۵- کتابخانه مدرسه سلطان محمد سلجوقی در اصفهان : سلطان محمد سلجوقی برای حنفیان اصفهان مدرسه‌ای ساخت و پس از اینکه درگذشت او را در همان مدرسه بخاک سپردند . در این مدرسه برای طلاب حنفی کتابخانه‌ای بزرگ فراهم آورده بودند . مدرسه و کتابخانه آن در محله دارالبطیخ معروف است و محمد مستوفی نیز متذکر این مدرسه شده است^۶ هم‌اکنون این مدرسه معمور و بنام مدرسه حاج حسن در اصفهان شهرت دارد .

۱۰۶- کتابخانه مدرسه نظامیه هرات : خواجه نظام‌الملک پس از فراغت از تأسیس کتابخانه‌های نظامیه بغداد - نیشابور و اصفهان - در شهر هرات نیز مدرسه نظامیه‌ای بساخت با همان مشخصات نظامیه‌های دیگر این دارالعلم نیز کتابخانه معروف و معتبری داشته است .

۱۰۷- کتابخانه خانقاه شیخ ابومسعود : شیخ ابومسعود احمد بن فرات رازی از بزرگان عرفای قرن سوم هجری است که در اصفهان رحل اقامت افکند و بایجاد خانقاهی برای ارشاد و رهنمائی مردم همت گماشت و پس از اینکه درگذشت در خانقاهش بخاک سپردند که هم‌اکنون نیز مزارش برجاست^۷ .

شرح حال او را حافظ اصفهان ابوصالح عبدالرحمن شهرستانی که از خواص شاگردانش بوده است بدست داده و عیناً در کتاب خلدبرین تألیف حاج شیخ احمد بیان اصفهانی آمده است^۸

۶- تاریخ‌گزیده چاپ لیدن ص ۴۴۷ .

۷- اصفهان محله شیخ ابومسعود که بمحله در شیخ هم معروف است .

۸- ص ۱۹۲ .

کتابخانه خانقاه شیخ ابومسعود یکی از نفیس‌ترین کتابخانه‌های ایران بوده است. در اواسط قرن نهم سلطان یعقوب آق‌قویونلو آرامگاه و بنای خانقاه شیخ را به زیباترین صورتی تجدید بنا کرد و برای آن طرح باغی بسیار مصفا افکند و کاشی‌کاریهای این خانقاه از هنری‌ترین کاشی‌کاریهای اصفهان بوده و هست.

در سال ۱۲۶۴ مردی عرب بنام سیدصدرالدین جبل عاملی باصفهان می‌آید و بااملاک و کتابخانه و ذخائر و نفایس خانقاه چشم طمع می‌دورزد و برای دست یافتن بآن گنجینه معرفت و ائانه‌گرانیها دست باغوی عام می‌زنند و غوغائی بر میانگیزد که نتیجه آن تاراج کتابخانه و نفایس خانقاه و انهدام آن بوده است. خلدبرین مینویسد: «... شرح املاک موقوفه شیخ ابومسعود و ذخایر و کتب و اهمیت مزار او مفصل است و نگارنده را در این خصوص حکایات و اطلاعاتی است که فعلاً از نگارش آن صرف‌نظر می‌نمایم»^۹.

۱۰۸ - کتابخانه بوطاهر خاتونی در ساوه: بوطاهر خاتونی از اجله دانشمندان و نویسندگان نامی شیعی ایران است. بنوشته قزوینی در آثار البلاد و عبدالجلیل قزوینی در کتاب النقض^{۱۰} او کتابخانه عظیم و بسیار غنی برای شیعیان ساوه بنیاد نهاد که مرجع شیعیان بوده است.

۱۰۹ - کتابخانه مدرسه وردان روز یزد: از بناهای سلطان وردان روزبن عزالدین لنگر در یزد بوده است که بسال ۵۸۵ هـ. در بازار دلالان یزد ساخته بود - او در همان مدرسه نیز مدفون گشت - این مدرسه نیز کتابخانه‌ای داشته است.

۱۱۰ - کتابخانه مدرسه کیکاوس سام: کیکاوس سام برادر سلطان وردان روز بود و در سال ۵۹۰ هـ. در محله دولت‌خانه سلطان ابراهیم مدرسه‌ای ساخت که شهرت گرفت و این مدرسه نیز کتابخانه‌ای داشت.

۱۱۱ - کتابخانه مدرسه کیشجاع: کیشجاع برادر کیان سرسو از امرای کالنجاری یزد بود و در محله سرریک جنب مدرسه‌ای که برادرش ساخته بود طرح مدرسه و کتابخانه‌ای عالی در حدود سال ۵۲۰ هـ. انداخت که از مدرسه‌های بنام یزد بوده است.

۱۱۲ - کتابخانه مدرسه دومناره یزد: این مدرسه و کتابخانه آن از مستحدثات سلطان علاءالدوله کالنجار در یزد بوده که چون دومنار بزرگ داشته است بمدرسه دومنار شهرت یافته بود. مزار سلطان علاءالدوله نیز در اندرون گنبد آن است. بنای این مدرسه را بسال ۵۱۳ هـ. نوشته‌اند^{۱۱}.

۱۱۳ - کتابخانه مدرسه سرریک: این مدرسه و کتابخانه آن از بناهای کیان سرسو از امرای سلطان علاءالدوله کالنجار است که مزار کیان سرسو نیز در آن قرار داشته است.

۱۱۴ - کتابخانه مدرسه غیاثیه سرریک: بانی آن امیر غیاث‌الدین علی بوده است که در زمان اتابک یوسف شاه علاءالدوله حکومت یزد را داشته است و تاریخ بنای آن را ۶۲۴ هـ. ثبت کرده‌اند.

۱۱۵ - کتابخانه مدرسه عبدالقادر یزد: عبدالقادر بن محمد بن سدید از آل تمیم بسال ۶۳۴ هـ. این مدرسه را در خارج از حصار یزد ساخت که بنام او معروف گشت.

۱۱۶ - کتابخانه عطاخان: علاءالدوله عطاخان نوه سلطان جلال‌الدین ملک‌شاه سلجوقی پس از درگذشت پدرش سلطان محمود بن ملک‌شاه فرمانروای یزد شد و در حوالی مدرسه دومنار مدرسه‌ای عالی بساخت و در آن کتابخانه‌ای برای طلاب علم بنیاد نهادند. این مدرسه بنام مدرسه عطاخان و یا «زنداد شریعت» شهرت داشته است.

۱۱۷ - کتابخانه مدرسه ترکان خاتون کرمان: ترکان خاتون دختر عطاخان که حرم

۹ - خلدبرین ص ۱۹۶ - ۱۹۷.

۱۰ - النقض بکوشش آقای محدث ص ۱۲.

۱۱ - جامع مفیدی بکوشش آقای ایرج افشار ص ۷۶ ج ۱.

سلیمان شاه قاوردشاه سلجوقی از پادشاهان آل قاورد کرمان بود مدرسه‌ای عالی در کرمان ساخت که کتابخانه‌ای نیز داشته و بنام مدرسه ترکان خاتون شهرت گرفت .

۱۱۸ - کتابخانه مدرسه فخریه یزد : این مدرسه نیز از بناهای کیانسر در محله سرریگ است که بسال ۵۲۰ ساخت و بنام مدرسه فخرجلاد معروف بود .

۱۱۹ - کتابخانه نصیرالدین ابوالمظفر آتسز خوارزمشاه : بطوریکه از مقدمه کتاب «الاعراض الطیبیه والمباحث العلمیه»^{۱۲} تألیف زین‌الدین ابوالفضائل اسمعیل بن الحسن گرگانی متوفی ۵۲۵ مستفاد است نصیرالدین علاءالدوله ابوالمظفر آتسز خوارزمشاه دانشمندان و نویسندگان را به تألیف و تصنیف کتابها تحریص و تشویق میکرده است و این پادشاه فضل دوست کتابخانه‌ای فراهم آورده بوده که بیشتر کتابهای آنرا نسخ منحصر بفرد و یا بخط مصنفان و مؤلفان تشکیل میداده است و نسخه‌هایی از کتابخانه او را نویسنده دیده است .

۱۲۰ - کتابخانه سلطان غیاث‌الدین کیخسرو سلجوقی (جلوس ۶۶۴ هـ) : سلجوقیان روم را باید از پاسداران سخن و زبان فارسی دانست که دربارشان پیوسته مجمع افاضل و اکابر و عارفان و دانشمندان زمان بوده و به همت ایشان سالها زبان و ادب فارسی در حدود آسیای صغیر فرمان میرانده و زبان علمی و ادبی آن خطه بوده است .

سلطان غیاث‌الدین کیخسرو بن رکن‌الدین قلیج ارسلان در سن شش سالگی پس از پدرش بسطنت رسید و معین‌الدین پروانه که او نیز مردی مدبر و دانش دوست بوده است حمایت و صیانت او را بر عهده گرفته و مسامرة الاخبار در این باره مینویسد : «الحق معین‌الدین پروانه او را تربیت نیکو داد و مثل قاضی نورالدین ینبوعی صاحب فضیلتی کامل و عدیم‌المثل را به تعلیم او نصب کرد تا او را از فنون کتاب بقدر امکان بهره‌مند گردانید»^{۱۳}.

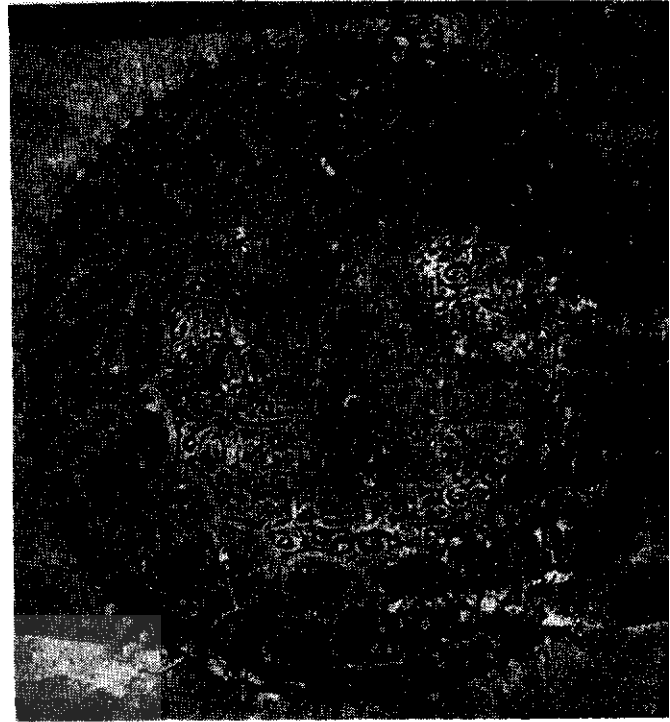
مصاحبت و اثر تربیت معین‌الدین پروانه که خود مردی وارسته و فضل دوست بود سبب شد که غیاث‌الدین کیخسرو با اهل فضل و ادب محشور و هم‌نشین گردد و فارسی‌زبانان نقاط دیگر ایران که از بلوای مغول متواری بودند در گاهش را مأمن امن و پناهگاه امان یافته پروانه‌وار بگرد او و معین‌الدین پروانه گرد آیند و قونیه یکی از مراکز درخشان ادب و فرهنگ ایران گردد و در جهان بدین عنوان آوازه یابد .

کریم آق‌سرائی در اثر ارزنده خود بنام مسامرة الاخبار که تاریخ سلجوقیان روم است و آنرا بسال ۷۲۳ هـ . تألیف کرده است این نکته را با شیوایی خاصی بدین صورت توصیف کرده است : «واصحاب طریقت و زمره اهل صفا و مشایخ سجاده معلا و اهل دلان بودند مثل شیخ سعید فرغانی و فخرالدین ابراهیم عراقی و حمید و دیگر شیوخ که در پرتو صفای باطن ایشان آفتاب لمعای بودی و از اطراف جهان با آواز شیخ الاسلام صدرالدین (قونوی) مجتمع شده بودند که این طایفه زراق که در این زمان دم تصوف میزنند در مقابله آن اکابر طریقت ، چون صخره صما بودی در موازنه لعل بدخشان ، اگر شمه‌ای از اهل تدریس و فضایل ایشان گرد آید بتطویل انجامد . علی‌الخصوص عاشق ربانی و جذبه سبحانی قطب الزمان مولانا جلال‌الدین محمد بلخی را که در آن زمان قرین بود . چه شرح رود آوازه و دبده صیت سخنان او باقطار عالم شایع بوده رضوان الله علیهم اجمعین و اصحاب انشاء و اهل فضل و قلم بودند مثل زین‌العابدین و حسام‌الدین و کمال‌الدین و صدرالدین و اثیرالدین منجم که قلم مشکبار بر بیاض کافور کردار کاغذ روان کردند صد هزار نسخه گوهر از هررقمی بظهور پیوستی در هیچ عهدی در دیوان رسائل مثل آن افاضل و اکابر دست از آستین کتابت بیرون نکرده‌اند و نه بدان حسن عبارت صاحب قلمی در هیچ زمانی نکته‌ای در هیچ رسالتی رانده » .

وزرای غیاث‌الدین کیخسرو نیز همه از زمره اهل فضل بوده‌اند چنانکه صاحب مجدالدین

۱۲ - تألیف دیگری است از مصنف ذخیره خوارزمشاهی .

۱۳ - مسامرة الاخبار ص ۸۸ .



راست : پشت نخستین صفحه کتاب ذخیره خوارزمشاهی که برای کتابخانه محمدبن پهلوان نوشته شده است چپ : نمای آرامگاه شیخ احمد غزالی در قزوین : کتابخانه غزالی در همین آرامگاه بنیاد گذاشته شد

محمد منصب اتابکی داشته و کریم آق سرائی درباره او می‌نویسد : «حضرت رفیع وسده منبیش جرم آفتاب بود که بازماندگان ظلمت حاجت را فیضان نور از مطالع آن بود . وزیری بود در علوم وافی ، بدرجه مکانت صاحب عباد کافی ، رسیده‌ای که در هر نکته که در حدیقه محاورت بر حدقه سخن ایراد کردی از غایت وعذوبت ولطافت هیچکس را از اهل فصاحت و بلاغت قدرت جواب آن نبودى ، صاحب فضیلتی بود ذوالکتابتین که در بسیط خاققین نظیر نداشت .»
 و در مورد توجه سلطان واعیان زمان به دانشمندان خاصه از طرف معین‌الدین پروانه و نتایج حاصله از آن می‌نویسد : « . . . با وجود رأی ملک‌آرای وهمی داشت فکرت پیمای . در فنون کتابت عبارت بلاغتی دلگشای مجالس ومجامع ایشان مشرف بحضور علما ومشاخ ومقر حکومت ایشان مزین بوجود اکابر وافاضل گوکب کتاب در پناه شرف و رفعت ایشان از حسیض هبوط باوج مکانت رسیده و در گزار مآثر ایشان گل فضل چنان بشکفید که رخساره علم و ادب بر افروخت ، آشنا و بیگانه در حمایت جاه آن سروران یگانه می‌آمدند و خود را بر فترک دولت ایشان می‌بستند »^{۱۴}.

سلطان غیاث‌الدین کیخسرو ومعین‌الدین پروانه الحق حقی بزرگ در راه پاسداری وصیانت زبان و ادب وآثار گرانبهای فرهنگ ایران بگردن فارسی زبانان جهان دارند . در فتنه وآشوب و قتل عام مغولان زشتتر از غولان که صحنه ایران به ماتمکده‌ای جغد نشین و ویرانه‌ای اندوهگین مبدل شده بود و تیغ بیداد خرم‌هستی افراد را درو میکرد و شمشیر نهال بارور دانشمندان وسخنوران را از بیخ و بن برمی‌کند و کتابخانه‌های معمور محل عبور ستور بود ، آن پادشاه و وزیر دانشور به جلب و جذب برگزیدگان ملت ایران برخاستند و مجلس و محفل خود را از پرتو

۱۴ - مسامرة الاخبار ص ۹۸ .

دانش و فروغ بینش آنان بیاراستند و در نگاهبانی آثار آنان بجان بکوشیدند و هم امروز در اثر همان عنایت و توجه و حمایت و درایت ایشان است که در کتابخانه‌های ترکیه و ایران از آثار مخلد و جاودان آن دوران و قبل از آن کتابهایی ارزنده و نفیس بیادگار مانده است .

کتابخانه سلطان غیاث‌الدین کیخسرو را در عظمت و گرافقدری باید یکی از کتابخانه‌های کم‌نظیر ایران شمرد ، بیشتر آثار بی‌مانندی که امروز در کتابخانه‌های نور عثمانیه بیجا مانده میراث و مرده‌ریک آن گنجینه عظیم است . برای نمونه عکس یکی از کتابهایی که برای کتابخانه سلطان غیاث‌الدین کیخسرو تحریر یافته بوده است در اینجا گراور می‌کنیم (تاریخ ابن‌بی‌بی) .

۱۴۱- کتابخانه طغرانی بغداد : مؤیدالدین فخرالکتاب ابواسمعیل حسین بن علی منشی شهیر به طغرانی ، هم منشی بود و هم از خطاطان تراز اول . او را از آنجهت طغرانی لقب داده‌اند که با قلم نی بر بالای بسم‌الله در هر کتابتی که میکرد با خط طغرا می‌نوشت . نعوت‌الملک‌الذی صدرالکتاب . او وزیر سلطان مسعود بن محمود سلجوقی بود و به تهمت الحاد بسال ۵۱۴ در بغداد به قتل رسید . او به عربی قصیده‌ای سروده که بسیار فصیح و بلیغ است و در آن از پزیرشانی‌های خود شکایت کرده و در حقیقت بئالشکوی است و چون بقافیه لام است آنرا لامیه‌العجم نام نهاده‌اند و نزدیک به ده شرح بر آن نوشته‌اند .

این ایرانی دانشمند و سخنور کتابخانه‌های در بغداد دائر کرد که بکتابخانه طغرانی شهرت داشته است .

۱۴۲- کتابخانه مدرسه شافعیان نیشابور : مدرسه و کتابخانه شافعیان نیشابور یکی از کهنسال‌ترین مدارس و کتابخانه‌های ایران است که مرکز طلاب علوم دینی و بخصوص شافعیان بود و ابوعلی دقاق از عارفان بنام در آنجا مجلس میگفت . او همانجا مدفون شد و شاگردش استاد ابوالقاسم قشیری ملقب به : زین‌الاسلام امام علی‌الاطلاق خراسان در همان مدرسه درس میگفت^{۱۵} .

۱۴۳- کتابخانه رکنیه یزد : در مدرسه رکنیه یزد کتابخانه‌ای برای استفاده عموم وجود داشته است^{۱۶} .

۱۴۴- کتابخانه ربیعی در تبریز : خواجه ابوالقاسم ربیب‌الدین هارون بن علی ظفر دندان ، وزیر اتابک ازبک بن محمد از اتابکان آذربایجان که باشاره سعدالدین و راوینی در اواسط قرن ششم هجری کتاب مرزبان‌نامه را از زبان طبری بفارسی ترجمه کرد ، کتابخانه‌ای بزرگ و غنی در تبریز بنیاد نهاد که تا فاجعه مغول وجود داشته است .

۱۴۵- کتابخانه مسجد عتیق اصفهان : بطوریکه میدانیم مسجد عتیق اصفهان سابقه تاریخی کهنی دارد و پیش از دوره اسلامی آتشگاه بوده و سپس مانند مسجد ایاصوفیه به مسجد مبدل شده و در عهد دیلمی‌ها و سلجوقیان و ایلکانیان و مظفری‌ها و حتی زمان اشرف افغان بارها تعمیر شده و بروسعت شبستان‌های آن افزوده گردیده تا جائیکه امروز بصورت یک مجموعه نفیس از هنر معماری ایران از دوران قبل از اسلام تا عصر حاضر درآمده است چون این مسجد پیوسته مورد توجه و نظر پادشاهان و وزیران ایران بوده است . این مسجد مدرسه‌ای نیز داشته که دارای کتابخانه‌ای بزرگ و قابل توجه و مورد مراجعه دانشمندان و طالب‌علمان بوده است^{۱۷} .

نکته :

پیش از اینکه معرفی کتابخانه‌های قرن ششم را بپایان برسانیم لازم است نکته‌ای را یادآور شود . و آن اینکه از اواخر سده اول هجری لغایت سده ششم گروهی از دانشمندان بخصوص علمای دینی برای تحقیق و تتبع و تألیف آثار خود نیاز به کتابهای مختلف داشته‌اند و به همین علت و سبب کتابخانه‌های شخصی فراهم می‌آورده‌اند اگرچه ممکن است کتابهای این کتابخانه‌ها از چند

۱۵- طبقات الشافعیه ج ۳ ص ۲۴۳ و جنات الاعیان ج ۱ - ص ۳۲۴ .

۱۶- جامع مفیدی ص ۸۹ ج ۱ بکوشش آقای ایرج افشار .

۱۷- ترجمه محاسن اصفهان ص ۶۳ .

صد جلد تجاوز نمیکرده معذالك قابل توجه واهمیت بوده واینك بطور نمونه چند تن ازایشان را معرفی می‌کنیم :

۱۳۶ - کتابخانه سهل سرخسی : فضل بن سهل سرخسی (ایرانی) وزیر مأمون عباسی بود و در نجوم مهارتی فوق‌العاده داشت و بزبان و ادب و فرهنگ فارسی دلسته بود و میگویند که مأمون دختر او را بنام ایراندخت به همسری گرفته بود . سهل پدرش از بزرگان ایران و زرتشتی مذهب بود و خود او به خواهش مأمون اسلام آورده بود و بمناسبت دودمان برگزیده‌ای که داشت مورد احترام ایرانیان بود و چون از شعائر ملی ایران حمایت میکرد مأمون از نفوذ او سخت بیمناک شد و بطوریکه در تاریخ این دوره آمده است مأمون غالب السواد را مأمور کرد تا او را بدستیاری چند تن دیگر در گرما بیهوش کنند . (۲۰۳ هـ .) فضل مردی دانشمند بود و کتابخانه‌ای از کتب اوائل و کتابهای نجومی پهلوی فراهم آورده بود .

۱۳۷ - ابن بابویه قمی : معروف به شیخ صدوق از بزرگترین محدثین و فقهای عالم تشیع است . او مدتها در بغداد حوزه درس داشت و در پایان عمر به ری آمد و مورد توجه و احترام رکن الدوله و صاحب بن عباد قرار گرفت و برای او حوزه درس ترتیب دادند او در مدرسه‌ای که برای تدریس داشت کتابخانه‌ای برای کتب شیعی فراهم آورد . تألیفات او را در حدود سیصد جلد فهرست کرده‌اند که مشهورتر از همه من لایحضره الفقیه است . و باید گفت کتابهای او خود به تنهایی کتابخانه‌ای بوده است . او در حدود سال ۳۸۱ هجری درگذشت و در همان مدرسه مدفون شد و هم‌اکنون نیز مزارش مورد احترام شیعیان ایران است .

۱۳۸ - کتابخانه مدرس شیخ ابوعلی فضل بن طبرسی : طبرسی نیز از دانشمندان و علمای بزرگ شیعی است که در سبزوار حوزه درس داشت و کتابخانه‌ای معظم برای شیعیان سبزوار و خراسان فراهم آورده بود . طبرسی تألیفات بسیار دارد از جمله مجمع‌البیان که از تفسیرهای بی‌نظیر است . او در ۵۵۲ هـ . درگذشت و جسدش را بمشهد مقدس بردند و آرامگاهش آنجاست .

۱۳۹ - کتابخانه فخر الدوله دیلمی : چنانکه گذشت شاهنشاه دیلمی که از ایرانیان اصیل و پرچمدار احیای سنت‌های دیرین ایران و یکی از پاسداران زبان و فرهنگ آن بودند ، هر يك سهم خود در حدود فرمانروائی خویش به نشر ادب و زبان فارسی کوشش و مجاهدتی چشم‌گیر داشته‌اند و کتابخانه‌هایی که این دودمان ایراندوست بنیاد نهادند گنجینه‌هایی شایگان بوده است . فخر الدوله دیلمی که خود مردی دانشمند و سخن‌شناس و عالم‌بعلوم عصر بود نویسندگان و دانشمندان را به تألیف و تصنیف کتابها مشوق بود و آثاری بسیار در ادب و دانش بنام او تألیف و تصنیف یافته‌است . کتابخانه فخر الدوله دیلمی یکی از کتابخانه‌های عظیم و شهیر قرن چهارم هجری بوده است . صحیفه‌ای از نسخه کتابی که بنام این شاهنشاه علم دوست تألیف یافته است در صفحه بعد از نظر خوانندگان ارجمند میگذرد .

۱۳۰ - کتابخانه خانقاه ابوسعید فضل الله بن ابی‌الخیر مهنه‌ای : این عارف نامدار ایرانی از مردم مهنه از شهرهای خاوران بود . او از شاگردان ابوالفضل محمد بن حسن سرخسی است و از پیروان عبدالرحمن سلمی عارف نامی خراسان و سرسلسله بسیاری از عارفان ایرانیست .

ابوسعید را باید یکی از بنیان‌گذاران ترانه‌های عرفانی در ایران دانست . خانقاه ابوسعید در مهنه مجمع‌گروه بیشماری از شیعته‌گان و دلدادگان بعالم عرفان بود و ابوسعید شاگردانش را برای رهبری اجتماع و مبارزه با فساد و تباهی تعلیم میداد .

خانقاه ابوسعید را میتوان یکی از دانشگاههای اخلاقی و عرفانی قرن پنجم ایران دانست که مورد توجه صوفیان و عارفان ایران و جهان و حتی دانشمندان عصر و زمان امثال شیخ‌الرئیس علی بن سینا بوده است و از اقصی نقاط ایران برای کسب بینش و دانش بان روی می‌آورده‌اند .

ابوسعید ابی‌الخیر بسال ۴۴۰ هجری درگذشت و در خانقاهش بخاک سپرده شد و اینك مزار پرانوارش زیارتگاه عاشقان و صاحب‌دلان است .



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
كُتِبَ صَفْحَةُ آيَةِ الشَّامِلَةِ
وَالْعَمَلُ بِمَا اسْتَجَابَ عَلَيْهِ بِنُحُوسِ الْمُتَعَرِّفِ
بِأَيِّ مُحَمَّدٍ مُحَمَّدِي

لِصَلَاةِ اللَّهِ النَّبِيِّ مَدَانِ الْهَدَاةِ وَمَا كُنَّا نَسْتَدِينُ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا
اللَّهُ فَلَا لِحُدُودٍ وَالشُّكْرُ عَلَى نِعْمَائِهِ وَحُزْنٌ عَلَى عِظَابِهِ حَمْدٌ
بِوَجِبِ حَسْبِ الْمُرِيدِ وَالصَّلَاةُ عَلَى خَيْرِهِ مِنْ كُلِّ مَنْ عَمِلَ بِالنَّبِيِّ
وَعَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَتَسْلِيمٌ تَسْلِيمًا وَمَعْدَانِي مَا أُجِدْتُ
الْعَالَمُ وَإِنْ كَانَ شَرِيحًا فَإِنَّهُ رَدَادُ شَرَفٍ مَكَانٍ وَعَمَلُ
كُنَانِ أَذَانِيكَ مِنَ الْجِدْمَلُوكِ الزَّمَانِ وَكَانَ مِنْ مَوْلَى الْمَلِكِ
السَّلَامِ الْجَلِيلِ مِنَ النِّعَمِ شَاهِدًا نَشَاءُ فِخْرَ الدَّوْلَةِ وَمَمْلُوكِ الْأُمَّةِ
أَكْرَامِ اللَّهِ سُلْطَنِهِ وَهَرَمِ فِي الْعَرَمِ مَكَانِهِ شَمْسِ الْعَالَمِ الْعَلِيِّ
نُصْبِهِ وَرُوحِهِ النَّبِيِّ تَجِيهِدًا وَتَفْخِيرًا مِنْ حُجُوجِ عَالَمِ الْطَيْبِ مَا لَمْ
يَسْبِقْهُ إِلَيْهِ أَحَدٌ وَلَا يَنْتَازِكُ فِيهِ بِشَرِّ سَلْمَةٍ مِنْ أَيْتَانِ
أَكْرَامِ اللَّهِ كُلُّهُ الْمَشْرِقَةِ فِي الْإِفَاقِ فَهَتَدِي بِتَعَالِيكَ مَا فِي

۱۳۱ - کتابخانه خانقاه امام ابو الفتوح احمد بن محمد غزالی : خواجه امام احمد غزالی
برادر کهنتر شیخ الاسلام ابو حامد غزالی است . امام احمد غزالی از عارفان نامدار و صاحب مکتب
است . تا آنجا که سرانجام شیخ الاسلام محمد غزالی با و گروید و راهی را که او بسوی حقیقت
برگزیده بود انتخاب کرد .

امام احمد غزالی در نظم و نثر فارسی یکی از استادان مسلم است و کتاب (سوانح درمعانی
عشق) او را باید از گنجینه های ادب و عرفان فارسی دانست .

این عارف نامدار در قزوین سکونت گزیده بود و در آنجا بارشاد و هدایت طالبان حقیقت
می پرداخت . امام احمد غزالی در خانقاهش مجلس میگفت و شاگردانش را بوادی حقیقت رهبری
میکرد . او شاگردان برجسته ای در مکتب عرفان پرورش داد که میتوان سرآمد ایشان را
عین القضاة همدانی دانست .

در خانقاه امام احمد غزالی کتابخانه ای فراهم آمده بود که کتابهای آن در دسترس استفاده
و مطالعه ارباب طلب قرار داشت .

غزالی در ۵۲۰ هـ . درگذشت و در خانقاهش بخاک سپرده شد و اینک نیز آرامگاهش
بجاست و مطاف عاشقان و عارفانست .

بررسی اجمالی تاریخ ایران از قرن اول هجری تا حمله مغول در شناخت قهرمانان و دودمانهاییکه زبان و فرهنگ فارسی را بینائی تازه و نو نهادند

اینک که معرفی کتابخانه‌های قرن ششم پایان می‌پذیرد و پس از این قرن دوران فترت و حمله مغول فرامیرسد بجا و لازم میدانند از چگونگی بوجود آمدن کتابخانه‌های بزرگ و شهیر در ایران پس از اسلام و پدید آمدن فرهنگ پیشرو و درخشان آن به همت مردمی ایراندوست و قهرمانانی جانباز گفتگویی مختصر بمیان آوریم و از جانبازها و قهرمانیهای کسانی که در این راه پیش گام و پیش آهنگ بودند و وحدت ملی و استقلال ایران را با زنده نگاهداشتن زبان و فرهنگ آن تأمین و تضمین کردند و افتخاراتی بزرگ برای سرافرازی ملت ما فراهم آوردند بزرگی یاد کنیم و آنان را بسنائیم .

در شماره‌های گذشته بطور اشاره و اختصار یادآور شد که پس از حمله عرب کوشش و تلاش سپاهیان غالب بدور محور انهدام آثار استقلال و ملیت ایرانیان دور میزد . زبان رسمی و دیوانی نازی بود و حکام و فرمانروایان و دیوانیان را از سران عرب برمی‌گزیدند تا مراجعان و مردم کشور ناچار باشند بزبان دیوانیان گفتگو کنند و آنرا برای رفع نیاز بپذیرند . برای محو مظاهر ملی ایرانیان با شدت و سخت‌گیری پیش از حد تصور مبارزه می‌شد . نشان دادیم که ایرانیان با چه دوران‌دیشی و خردمندی توانستند راه چاره بیابند و با وضع و اختراع خطی که از خط راز سهریه ریشه میگرفت خط فارسی را بوجود آوردند و برای ثبوت آن نخست به نوشتن قرآن با آن خط پرداختند تا راه هرگونه تهمت و حمله و تجاوز را بخط نوبیاد خود مسدود سازند .

این خط نوساخته را خط فارسی خواندند و عربها نیز آنرا به همین نام یاد کرده‌اند . ابن‌الدیم نیز باین حقیقت معترف است و میگوید ایرانیان قرآنرا با بخت فارسی می‌نوشتند و میخواندند . و آنچه در اینجا برگفته‌های پیشین می‌افزاییم اینکه این خط در اواسط قرن اول هجری بوجود آمد و قرائن و امارات بر صحت این نظر اینکه :

۱ - بهافرید (به‌آفرید) فرزند ماه فروردین پیش از سال ۱۳۲ هـ . یعنی قبل از خلافت بنی‌العباس در نیشابور و اطراف آن آئینی تازه بنیاد نهاد که کیش او از تلفیق آئین مانی با دین اسلام سرچشمه میگرفت و چنانکه مورخان عرب ثبت کرده‌اند هفت نماز آورده بود که بزبان پارسی بود و برای این هفت نماز کتابی بزبان فارسی با خط فارسی نوشته بود که پیروانش آنرا میخوانده‌اند .

۲ - منکه ، نامی از پزشکان ایرانی که بزبان سنسکریت آشنائی داشت ، کتابی بنام شاناق در دانش ستاره شناسی بزبان فارسی ترجمه کرد و ابو حاتم بلخی بین سالهای ۱۷۰ - ۱۷۷ هـ . آنرا برای یحیی برمکی بخت فارسی نوشته و تقدیم داشته بود .

آنچه از مطالب یاد شده مستفاد است اینکه : منکه شاناق را از زبان سنسکریت بزبان فارسی ترجمه کرد و بخت پهلوی نوشت و ابو حاتم بلخی آنرا از خط پهلوی بخت فارسی برای یحیی برمکی نوشت تا بتواند بخواند . پس یحیی برمکی بخت فارسی آشنائی داشته و این بدیهی است زیرا ایرانی بوده است . چنانکه در فصول گذشته یادآور شدیم این مقاله ایرانی با آشنائی بخت فارسی خط نسخ را وضع کرد و بر اساس آن خط ثلث ، ریحان و دیگر خطوط را پایه گذاشت و از آن تاریخ خط نسخ در میان ملل اسلامی رایج گشت و بنام عربی و خط اسلامی نام آور گردید .

آنچه از آثار نثر و یا نظم فارسی مخطوط اطلاع بدست ما رسیده متأسفانه متعلق بقرن چهارم هجری است که یکی تاج المصادر است در لغت فارسی که آنرا به ابو عبدالله جعفر بن محمد رودکی در گذشته سال ۳۲۹ نسبت میدهند و همان زمان کتاب لغت دیگری تألیف ابو حوص حکیم بن احوص سفیدی در دست بوده که در کتابهای فرهنگ نشان آن را تا قرن یازدهم در دست داریم . بسیار بعید است که بپذیریم خط و زبان دری یکباره و خلق الساعه در دربار سامانیان خلق شده باشد !! بنا بر این خط فارسی و زبان دری سابقه دیرینه‌تری داشته است .

بر اساس آنچه در نوشته‌های گذشتگان ثبت است نخستین بار یعقوب لیث صفاری از نوشتن

وسخن گفتن بزبان عربی اظهار نفرت کرد و واداشت که بزبان فارسی شعر بگویند و بنویسند و بخوانند. این گفته بر مبنای نوشته‌هایی است که بجامانده و چه بسا امکان دارد در ماوراءالنهر و طبرستان پیش از آنکه یعقوب لیث در نیمروز دست به چنین اقدامی یازد آنان نیز بمبارزه برخاسته بودند و سخنوران و نویسندگان آن خطه‌ها نیز بزبان پارسی می‌نوشته‌اند و شعر میسروده‌اند ولیکن متأسفانه از این روی داد بزرگ اثر مضبوط و ثبت شده‌ای بجای نمانده است.

پیش‌تازان و پیش‌آهنگان این نهضت خجسته و برجسته مردانی دلیر و ازجان‌گذشته بوده‌اند که در گوشه و کنار کشور بزرگ ایران رهبری و پیشوایی گروه‌ها و دسته‌هایی را بر عهده گرفته‌اند بدیهی است خاندان‌هایی که در این قیام و اقدام شریک و انباز بودند هر یک به نسبتی در قسمتی از کشور پهناور ایران بوظیفه ملی و میهنی خود پرداخته‌اند.

این خاندانها را در اینجا بنام معرفی می‌کنیم و درباره خاندان‌هاییکه بیش از دیگران در پیش‌بردن مبارزه مؤثر بوده‌اند و بخصوص در راه تشویق مؤلفان و مصنفان و سرایندگان موفق بوده‌اند و موجب گردیده‌اند که با تألیف کتابها و بنیاد کتابخانه‌ها در نشر فرهنگ و زبان فارسی کمک مؤثر داشته باشند جامع‌تر سخن می‌گوئیم.

خاندان‌هاییکه از اواخر قرن اول هجری هر یک بصورتی و به نحوی در این راه بخدمت برخاسته‌اند بدین شرح معرفی میشوند:

نوبختیان - برمکیان - صفاریان - سامانیان - طاهریان - کاکویه - تانیان - چغانیان - زیاریان - اسپهبدان طبرستان - میکالیان نیشابور - فریغونیان - بویهیان - دیلمانیان - باوندیان - برهانیان - بلعمیان - ملوک مرغنی.

۱۳۴ - کتابخانه خاندان نوبختی: خاندان نوبختی از مفاخر ایرانند و افراد این خاندان را باید ارزنده‌کنندگان افتخارها و دانشهای ایران باستان بشمار آورد و چون در نشر و ترجمه کتابهای پهلوی و هم‌چنین تألیف و تصنیف کتابهای بسیاری دست یازیده‌اند بجاست از این دودمان به تفصیل یاد کنیم و بزرگان این خاندان را که هر یک از مشاهیر دانشمندان و منجمان و مترجمان بوده‌اند بشناسیم.^{۱۸}

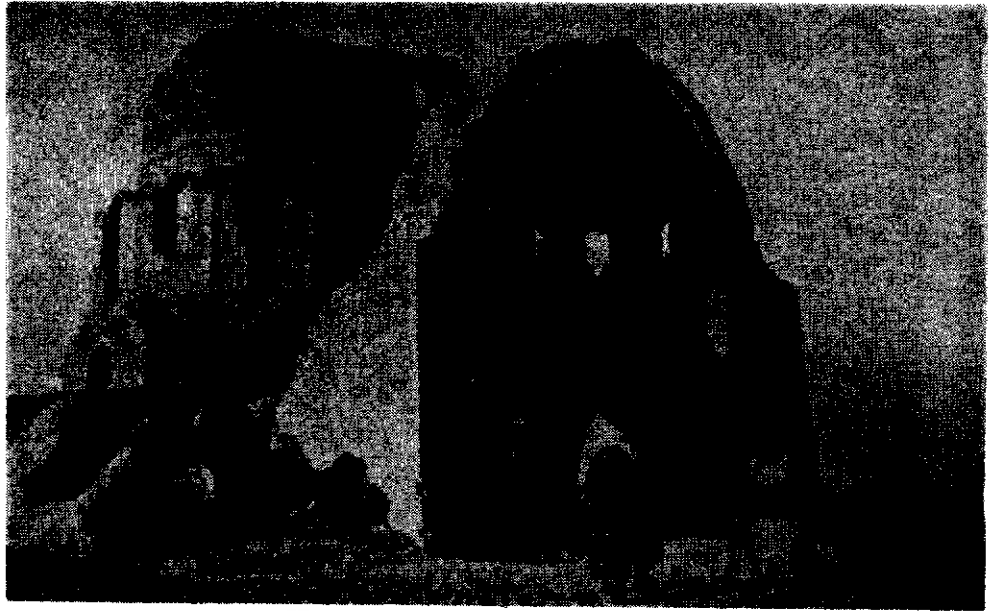
هم‌چنانکه برمکیان از بزرگان و خدمتگزاران عبادتگاه (نوبهار) نوبهار بوده‌اند نوبخت نیز از بازماندگان دودمان مغان فارس بود و از دانش مغان بهر مای کافی و وافی داشت و با اینکه فارس و خوزستان و ری و خراسان بتصرف عرب و نفوذ اسلام درآمد با اینهمه نوبخت مغان همچنان سرپرستی مغان را بر عهده داشت و آنان را رهبری و هدایت میکرد و در برابر فشارهای حکام و فرمانروایان عرب با سرسختی ایستادگی مینمود و میکوشید که آئین بهی را در سرزمین فارس زنده نگاه دارد. نوبخت را به جرم تبلیغ و نشر افکار و آئین مغانی (مجوسی) دستگیر و زندان افکندند. نوبخت چنانکه در آثار بازمانده از نویسندگان عرب مستفاد است، از دانش مغان آگاه بوده در نجوم و ستاره‌شناسی که یکی از دانشهای خاصه ایشان بوده است اطلاعات وسیع و غنی داشته، کتابی نیز در نجوم از او یاد میکنند که نخست بزبان پهلوی نوشته سپس آنرا بعربی ترجمه کرده است.^{۱۹}

ابوبکر احمد بن علی خطیب بغدادی^{۲۰} در تاریخ بغداد متذکر است که قبل از سال ۱۳۶ هجری نوبخت مجوس در اهواز مجبوس بوده است و به نقل از تاریخ بغداد چنین روایت شده است که اسماعیل بن علی نوبختی برای حسین بن قاسم کویبی از شاگردان خود این چنین روایت کرده

۱۸ - شادروان اقبال آشتیانی کتابی در معرفی خاندان نوبختی تألیف و تصنیف کرده است که بحقیقت در نوع خود بی‌نظیر است - آنچه درباره دودمان نوبختی در این جا متذکر میشویم آرا و نظرات و مطالبی است جز آنچه در اثر اقبال آمده است.

۱۹ - کشف‌الظنون ج ۵ ص ۳۵.

۲۰ - متولد ۳۹۲ در گذشته ۴۶۳ تاریخ خطیب بغدادی ج ۱۰ ص ۵۴ و سیدرضی طاووسی در کتاب فرج‌الموم از آن نقل کرده است.



آرامگاه شاه علاءالدوله سمنانی
بنام صوفی آباده سمنان - سائها
این ساختمان مرکز تجمع دانش
پژوهان و عارفان ایران بود

است که: «جدم نوبخت در آغاز آئین مجوسی داشت و در دانش ستاره شناسی سرآمد دیگران بود آنگاه که در اهواز زندانی بود روزی ابو جعفر منصور را می بیند که بزندان آمده بوده است. نوبخت گفته است که ابو جعفر منصور را مردی با درایت و زیباروی دیدم او چهره‌ای دلفریب و نیکو داشت. تا آن روز مردی بدان زیبایی و بآن شکوه و ابهت ندیده بودم. برخاستم و نزدش رفتم و دریافتم که سیمای مردم این مرزوبوم را ندارد از او جويا شدم که از کدام دیار و شهر است او گفت از مردم مدینه‌ام گفتم از مدینه‌النبی؟ گفت آری. پرسیدم از خاندان پیمبر اسلام است گفت نه. از مردم مدینه‌ام. باو نزدیک‌تر شدم و از کنیه‌اش پرسش کردم پاسخ داد ابو جعفر. گفتم مژدگانی بده چون بزودی فرمانروای کشوری میشوی که خوزستان و فارس و خراسان و قهستان را شامل است و بآئین بهی در راستی این پیشگوئی سوگند یاد کردم. او نپذیرفت. سوگند مؤکد خوردم و از او خواستم تا با من پیمان بنده که اگر پیشگوئی درست آمد، او مرا فراموش نکند و پاداش این تفأل نیک را بپردازد. او پیمان بست و نوشت و بمن داد. آنگاه که بفرمانروائی رسید پیش او رفتم و نوشته را نشان دادم. او سپاس خدای را بجای آورد و مرا در خدمت خود گماشت. من نیز بدست او اسلام آوردم و ستاره شناس و خدمتگزار او گشتم».

در اینکه نوبخت مغوش (مجوس) در خدمت منصور خلیفه عباسی بوده است شکی نیست. مسعودی در مروج الذهب^{۲۱} نیز متذکر است که منصور نخستین خلیفه عباسی است که در میان خلفای اسلامی به ستاره شناسی و احکام نجوم عقیده مند بود و منجمان و ستاره شناسان را گرامی میداشت و نظرات و اشارات ایشان را بکار می‌بست و او نوبخت را که آئین زرتشتی داشت بقبول اسلام واداشت و در دستگاه خود بکار گماشت. نوبخت و پسرش ابوسهل از منجمان مخصوص و مورد نظر منصور خلیفه بودند و بطوریکه خطیب بغدادی^{۲۲} و آثار الباقیه^{۲۳} و آثار البلاد^{۲۴} متذکرند منصور در ساختن شهر بغداد بسال ۱۴۴ هـ. ساعتی آغاز بساختن آن کرد که نوبخت آن ساعت را براساس

۲۱ - مروج الذهب جلد هشتم ص ۲۹۰ .

۲۲ - تاریخ بغداد ج ۱ - ص ۶۷ .

۲۳ - ص ۲۷ .

۲۴ - ص ۲۰۷ .

احکام نجومی اختیار کرده بود .

طبری هم ضمن شرح وقایع سال ۱۶۵ هـ . در شرح چگونگی قتل ابراهیم بن عبدالله برادر محمد النفس الزکیه مینویسد : «نوبخت بر خلیفه ابوجعفر منصور وارد شد و گفت یا امیر المؤمنین پیروزی تو راست . منصور پیشگوئی او را باور نکرد . نوبخت گفت : خلیفه دستور فرماید مرا زندانی کنند اگر چنانکه پیش بینی کرده ام درست نیامد مرا بکشند . در هنگام این گفتگو خبر شکست ابراهیم رسید و چون پیشگوئی نوبخت درست درآمده بود منصور دویست جریب از زمین های نهر جوبتر را بعنوان تیول به نوبخت بخشید»^{۴۵}.

از آنچه یاد کردیم چنین مستفاد است که نوبخت ازدانش ستاره شناسی و علم (تله پاتی) که که ازدانشهای خاص مغان ایران بود آگاهی داشته بیاری همین دانشهای خاص توانسته بوده بداند که منصور بخلافت خواهد رسید و پیش از اینکه این واقعه وقوع یابد منصور را آگاه کرده و باو مژده میدهد و از او میخواهد که اگر این پیشگوئی بحقیقت پیوست او را از زندان آزادی بخشد . پس از اینکه منصور بخلافت میرسد بر اساس عهد و پیمانی که بسته بود او را از زندان رهایی بخشید و از او خواست که از آئین مجوس (مغوش) درآید و آئین اسلام را بپذیرد . نوبخت نیز که از اعرافان ایرانی بوده است پیشنهاد او را می پذیرد ولی از همان آغاز کار درزی دوستداران و هواخواهان دودمان علی علیه السلام درمی آید ، این الندییم نیز متذکر این نکته هست .

با توجه باینکه فرزندان و نوادگان و نییره گان نوبخت همه از بنیان گران شیعہ بوده اند [تا آنجا که ابوالقاسم حسین بن روح بن ابی بجر، از ثواب چهار گانه حضرت قائم گردید] درمی یابیم که تحقیق در حال و احوال و آثار خاندان نوبختی برای تاریخ پس از اسلام حائز کمال ارزش و اهمیت است که متأسفانه جای طرح و بسط مقال در اینموقع و مقام نیست همین اندازه بسنده می کنیم که خدمات پر ارزش معنوی دودمان نوبختیان بفرهنگ ایران بسیار گرانقدر و ارزنده بوده است .

نوبخت و فرزندش ابوسهل و عبدالله و ابوالعباس فضل . فرزندان ابوسهل همه از مترجمان کتابهای پهلوی به عربی بوده اند و از این نکته توان دانست که نوبخت وارث کتابخانه بزرگی از کتابهای فرس قدیم و پهلوی بوده است و با در اختیار داشتن آنچنان کتابخانه ای نه تنها وسیله نقل آن آثار را بزبان عربی در دست داشته بلکه توانسته است بفرزندش نیز خواندن و نوشتن خطوط پهلوی (اشکانی و ساسانی) و چه بسا خطوط دیگر ایرانی را بیاموزد .

علاوه بر ابواسحق ابراهیم و ابوسهل اسماعیل بن علی و ابومحمد حسن و یعقوب بن اسحق نوبختی که همه از متکلمان امامی و از اصحاب و خواص ائمه اثنی عشریه بوده از این دودمان بشمار میرفته اند میتوان از یعقوب بن اسحق و اسحق بن اسماعیل و ابوالقاسم حسین بن روح نیز یاد کرد . مشاهیر این خاندان که روایات اشعار شاعران نامدار عرب بوده اند بسیارند و از آنجمله ذکر اسماعیل بن ابی سهل و برادرانش ابوطالب و محمد بن روح و ابوالحسین علی و ابوعبدالله حسین بیجاست . منشیان و کتّاب نامدار دودمان نوبختی ابوجعفر محمد بن علی بن اسحق و ابویعقوب و ابوالفضل یعقوب و علی بن اسد بوده اند و از علما و دانشمندان در اخبار امامیه باید از ابوالحسن موسی بن کبریا و ابومحمد حسن بن حسین یاد کرد .

خاندان نامی نوبختی که از سال ۱۱۶ هـ . تا ۳۲۶ هـ . از آنها نام و نشان در دست داریم مؤسس خزانه الحکمه بوده اند . خزانه الحکمه مرکز اجتماع ایرانیها و شعوبیه بوده که وسیله نوبخت و فرزندش ابوسهل بن نوبخت دائر گردیده بود و کتابخانه آن بزرگترین کتابخانه های زمان بود و بیشتر کتابهای آن کلامی و حکمی و فلسفی و علمی و نجومی بوده است . این الندییم نیز متذکر این نکته هست^{۴۶}.

۴۵ - تاریخ طبری چاپ لیدن ص ۳۱۸ ج ۳ .

۴۶ - الفهرست ص ۲۷۴ و طبقات الامم ص ۶۰ .

کتاب **یاقوت** که ابو اسحق ابراهیم نوبختی در علم کلام تألیف کرد از بزرگترین آثار کلامی است که بر آن شروح متعدد نوشته شده و بزرگان این علم بآن استناد می‌جسته‌اند. آثار نوبختی‌ها در هیأت ونجوم از بهترین کتابها بشمار می‌آمده و ایشان را دانشمندان اسلامی در این علم (اعلم‌ناس) خوانده‌اند. در ملل و نحل کتاب دیانات ابو محمد نوبختی از برگزیده‌ترین آثار در این علم است.^{۲۷} این ابی‌اصیبه آثار نوبختی‌ها را در جمع اشعار و اخبار راجع به ابونواس و بختی و ابن‌الرومی از موثوق‌ترین مراجع دانسته است.^{۲۸}

بطوریکه گذشت خاندان نوبختی در نقل آثار ادبی و علمی ایران باستان و احیای سنت‌های ایران طی دو قرن خدمات برجسته‌ای انجام دادند و نهالی را که ایشان کاشتند در قرن‌های بعد ثمرات و اثرات ارزنده‌ای بیار آورد. **سامانیان**

ظهور صفاریان در ترویج زبان فارسی و تقویت از آن بسیار مؤثر بود و چنانکه قبل از این نیز گفته‌ایم پادشاهان این سلسله توجه خاص بشعر و ادب فارسی معطوف می‌داشتند لیکن اوضاع و احوالی که در قلمرو فرمانروائی صفاریان حکومت میکرد و آنان را بر آن می‌داشت که پیوسته در حال جنگ و ستیز با دشمنان و دست‌نشانندگان خلفا باشند بایشان فرصت نمیداد آنچه‌چنانکه بایسته بوده بآداب و فرهنگ زبان فارسی بپردازند. خدمت آنان بزبان فارسی همین‌بس که زمینه قیام‌های دودمان‌های دیگری را در نقاط مختلف ایران فراهم آورد و موجب شکست نفوذ عرب در ایران گردید. ظهور سامانیان در ماوراءالنهر و خراسان که نفوذشان بسرعت در دیگر نقاط ایران چون گرگان و قسمتی از عراق و کرمان گسترش یافت محیط آماده و آرامی برای نشوونمای ذوقیات و تجلی فکر و هنر ایران بوجود آورد و از این رهگذر است که در دستگاه سامانیان گویندگان و نویسندگان نامداری بظهور پیوستند. و خوشبختانه پادشاهان سامانی همه مردمی دانش‌دوست و سخن‌شناس و هنرپرور بودند و همین امر سبب گردید که فرهنگ و ادب و هنر رونق و رواجی فوق‌العاده یافت و پایه و اساس فرهنگ نوین ایران گذاشته شد. در آغاز دوران سامانیان به شعرائی برخورد می‌کنیم مانند: سپهری بخارائی - ابوالمثل بخارائی - ابوالمؤید رونقی بخارائی و ابوالمؤید بلخی که او گذشته از اینکه باستانی شعر میسروده در تشریح فارسی نیز از دبیران و نویسندگان چیره‌دست بوده است و بطوریکه نوشته‌اند داستان یوسف و زلیخا را بنظم آورده بود و هم‌چنین از خداینامه داستان‌های مربوط به گرشاسب را که بسیار موثق بوده است منظوم ساخته بود.

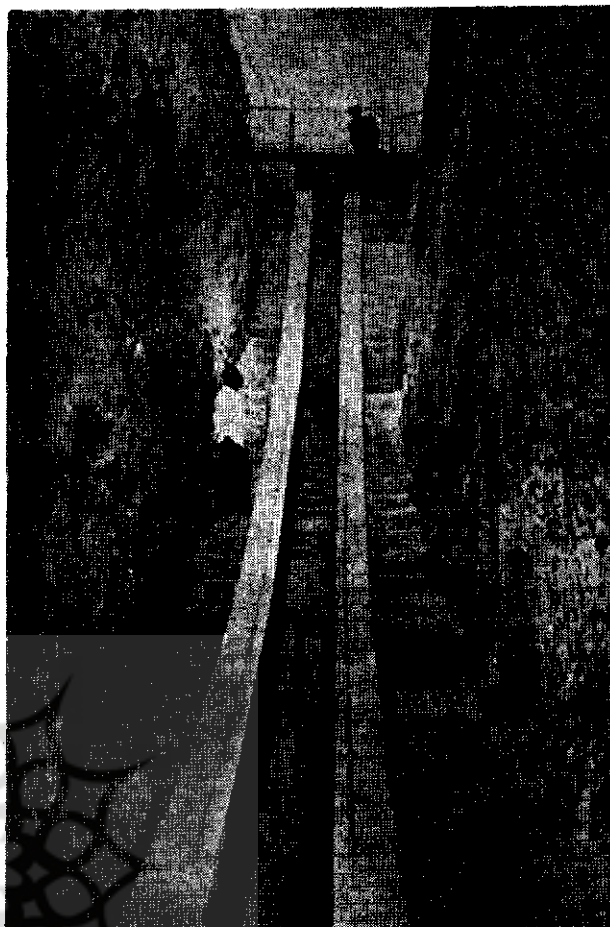
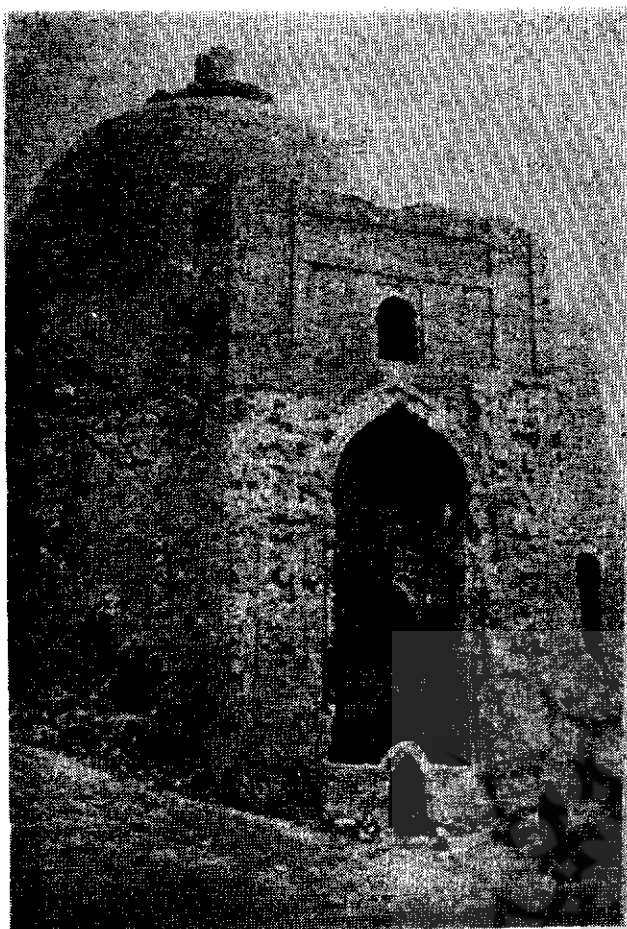
ابوالمؤید کتابی نیز به نثر در عجایب بلدان نوشته است که آنرا به نوح‌بن منصور (۳۶۶ - ۳۸۷) تقدیم کرده که خوشبختانه از این کتاب نسخه‌ای در دست است.

دربار نصر بن احمد سامانی درخشندگی و تابناکی دیگری داشته. شعرای دربار او بسیار بوده‌اند و توجه بنام و نشان شعرا و نویسندگان دزبارش نشان‌دهنده مجد و عظمت و شکوه و شوکت فرهنگ و ادب در زمان اوست. فهرستی از شعرا و نویسندگان زمان او می‌آوریم: ابوطیب مصعبی صاحب دیوان رسالت - احمد بن اسمعیل - ابوالعباس ربنجی بخارائی - خبازی نیشابوری - ابو حفص حکیم - ابن‌احوص سفدی (که جز شاعری در موسیقی نیز سرآمد اقران بوده و سازی اختراع کرده که بنام **شهرود** معروف است و کتابی هم در لغت فارسی تألیف ساخته که باید گفت کهن‌ترین فرهنگ فارسی پس از اسلام بوده است دیگر - ابو عبدالله فرالوی - ابوشکور بلخی (که چهارمثنوی بدو منسوب است که یکی از آنها **آفرین‌نامه** نامیده شده و بسال ۳۳۶ هـ. آنرا بیابان آورده است) - ابوالحسن شهید بن حسین و راق بلخی از **خطاطان** بنام و شهیر **خط فارسی** در اوائل قرن چهارم که در حکمت نیز صاحب نظر بوده است و با محمد زکریای رازی تعریضاتی داشته و در حکمت تألیفاتی باو نسبت می‌دهند^{۲۹} - ابوالحسن محمد مرادی بخارائی - طخاری

۲۷ - معجم‌الادباء ج ۲ ص ۲۷۹ .

۲۸ - ج ۱ ص ۳۰۹ .

۲۹ - در گذشته بسال ۳۲۵ که در اینصورت میتوان گفت از مشاهیر او اواخر قرن سوم هجری است .



راست: رصدخانه مراغه ساخته خواجه نصیرالدین توسی - در این رصدخانه بزرگترین کتابخانه آسیا به همت خواجه نصیرالدین توسی بوجود آمد
چپ: آرامگاه شیخ ابوسعید ابوالخیر در شهر مهینه خانقاه او دانشگاه عرفان بود

طخارستانی - رابعه بنت کعب قزداري نخستین زن شاعره صاحب دیوان - ایرانشاه بن ابوالخیر که داستانهای باستانی را درباره بهمن بنظم آورده بود - ابوالعلاء شوشتری از فحول شعرای ایران - ابواسحق جوینی و سرانجام ابو عبدالله جعفر بن محمد رودکی سمرقندی است که گویند نزدیک به یکمیلیون و سیصد هزار بیت شعر سروده بوده است !!! ابوذرعه معمري گرگانی - ابوظاهر خسروانی - امیر ابوالحسن آغاجی از شاهزادگان سامانی - ترکی کشی ایلاقی - ابو عبدالله معروفی بلخی - ابو عبدالله نوایجی مروزی - ابوشعیب هروی - ابو عمر و زجاجی - ابوطیب سرخی - استغنائی نیشابوری - ابوعلی سمیعور از امرای سامانی و ماکان بن کاکي از امرای سامانی .
سامانیان نزدیک به دو قرن تا سال ۳۹۵ ه . سلطنت کردند با توجه به فهرستی که یاد کردیم و آن نمونه است از رواج فرهنگ و ادب در دوران سلطنت ایشان به یقین باید گفت احیای زبان ادبی و علمی فارسی مدیون و مرهون همت و توجه و علاقه ایشان بوده است .
پادشاهان سامانی هر یک به تأسیس کتابخانه‌های عظیم و گردآوری آثار مخطوط و تشویق نویسندگان و شعرا به تصنیف و تألیف اثری نو بذل عنایت و توجه کردند و در این راه افتخار و سربلندی برای آینده ایران فراهم آوردند .
(کتابخانه‌های سامانیان را در شماره‌های گذشته به تفصیل آورده‌ایم).